

چنين است رسم سراي سپنج	نماني در او جاودانه مرنج
نه دانا گذر يابد از چنگ	نه جنگاوران زير خفتان و ترگ
اگر شاه باشي و گر زردهشت	نهالي ز خاك است و بستر ز خشت
چنين است گيهان ناپايدار	بر او تخم بد تا تواني مكار
به گيتي در آن كوش، چون بگذري	سرانجام نيكي بر خود بري

## منابع

- آرمسترانگ، كارن: ۱۳۸۵، *تاريخ خداباوري*، ترجمه بهاء الدين خرمشاهي و بهزاد سالكي، تهران: پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي.
- بلخي، مولانا جلال الدين محمد: ۱۳۸۳، *مثنوي معنوي*، تصحيح نيكلسون، چاپ اول تهران: نشر قطره.
- حريري، ناصر: ۱۳۷۷، *مرگ در شاهنامه* (مجموعه مقالات)، چاپ اول بابل: نشر آويشن.
- خالقي مطلق، جلال: ۱۳۷۲، *گل رنج هاي كهن*، به كوشش علي دهباشي، چاپ اول، تهران: نشر مركز.
- شاملو، احمد: ۱۳۸۵، *برگردان گيل گمش*، چاپ چهارم، تهران: نشر چشمه.
- ظاهري عبدوند، آمنه: ۱۳۷۶، *اسفنديار و رويزني*، اهواز: مهزيار.
- گريمال، پير: ۱۳۳۹، *فرهنگ اساطير يونان و روم*، ترجمه ي احمد بهمنش، تهران: دانشگاه تهران.
- ليك، گوندولين: ۱۳۸۵، *فرهنگ اساطير شرق باستان*، ترجمه ي رقيه بهزادي، تهران: طهوري.

## مفاهيم و ارزش های جهانی میراث فرهنگی ایران

محمدرضا مهرانديش<sup>۱</sup>

## چکیده

<sup>۱</sup> رئیس کل موزه ملی ایران

ثبت یک اثر در فهرست میراث جهانی سبب جلب توجه بیشتری از سوی متخصصان و هم از سوی مردم بدان خواهد شد؛ سازمان یونسکو و سایر سازمان‌های جهانی مرتبط با بناها و یادگارهای تاریخی و فرهنگی نیز کمک‌های فنی و علمی خود را در صورت نیاز در اختیار کشور صاحب اثر می‌گذارند. هم چنین صندوقی جهت حمایت‌های مالی از آثار تاریخی ثبت شده جهانی نیز وجود دارد.

علاوه بر این در سالیان اخیر ثبت میراث معنوی و غیر مادی ملتها نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا میراث فرهنگی یک کشور تنها به آثار مادی به یادگار مانده از گذشتگان آن محدود نمی‌شود. فرهنگ معنوی و غیر مادی و جنبه های ذهنی و غیر ملموس جوامع نیز از اهمیت همسان با آثار مادی برخوردارند.

**واژه های کلیدی:** ایران ، میراث فرهنگی ، میراث جهانی ، آثار تاریخی ، ثبت جهانی .

## مقدمه

در پایان قرن هیجدهم که افکار اجتماعی، خصیصه علمی به خود گرفت و در جستجوی قوانین اجتماعی برای راهنمایی رفتار بشر برآمد، مطالعاتی نیز تحت عنوان "تاریخ جهانی" انجام شد. دانشمندان در این مطالعات بدنبال آن بودند که "تاریخ عمومی" بشر و جوامع را از ابتدای شکلگیری آن مدون کنند. مورخان که شروع کننده چنین جریانی بودند، به تاریخ سیاسی و نظامی - که معمول قرون قبل بود- توجه چندانی نداشتند، بلکه توجه آنها بیشتر به آداب و رسوم، نهادها، افکار، هنرها و علوم معطوف بود. همین کنجکاو باعث شد که به جوامع و تمدن‌های گذشته بیشتر توجه شود و اسناد فراوانی را درباره تمامی ادوار تاریخی و تمامی جوامع شناخته شده جمع آوری کنند. آنان نیز اعتقاد داشتند که تاریخ بشری "تاریخ پیشرفت بشریت" است و مطالعه تطبیقی (تاریخ تطبیقی) جوامع و تمدن‌ها، آثار این پیشرفت را مشخص می‌کند. واژه "فرهنگ" برای بیان این تکامل در پیشرفت بکار گرفته شد.

با تاسیس سازمان ملل و ظهور کشورهای استقلال یافته و به یمن فعالیت یونسکو، مفهوم میراث فرهنگی جامعه انسانی به منزله تجلی شأن برابر تمامی فرهنگها سر بر آورد. روند رو به رشد توجه به فرهنگهای مختلف بشری باعث شده که امروزه مردم جهان نسبت به شیوه‌های زندگی و سنت‌های مردمان سرزمین‌های دوردست و آثار هنری و صنایع دستی ملت‌هایی که تا پیش از این حتی نامشان را نشنیده بودند، کنجکاو شوند.

## تعریف میراث فرهنگی:

در ماده يك قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، میراث فرهنگی چنین توصیف شده است: "میراث فرهنگی شامل آثار باقی‌مانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ می‌باشد و با شناسایی آن، زمینه شناخت هویت و خط حرکت فرهنگی او میسر می‌گردد و از این طریق زمینه‌های عبرت برای انسان فراهم می‌آید" (صمدی، ۱۳۸۳: ۱۳).

سازمان میراث فرهنگی در ایران به استناد قانون مصوب تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی تشکیل شده است. و در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

"میراث فرهنگی به عنوان يك پدیده اجتماعی جنبه جبري و تحميلي بر محیط اجتماعی و زندگی انسان‌ها دارد، به طوري که عده‌اي در تعريف آن، نتیجه این رفتار تعاملی را در يك نگاه، "میراث فرهنگی" می‌گویند و يك بعد این تعريف، زمان این تعامل است. از همین روی، صد سال پیش میراث فرهنگی کشور را پدیده‌هاي بشري تا پایان دوره زندگی می‌دانستند؛ بعدتر آن چه را تا پایان دوره قاجاریه با عمر بیش از ۵۰ سال بود، به عنوان میراث فرهنگی قلمداد کردند. هم اکنون نیز برخی بر این باورند که برخی رفتارهاي دوره جدید که به نوعی ریشه در رفتارهاي تعاملی که در طول هزاران سال پیش شکل گرفته‌اند دارد، می‌تواند در حوزه میراث فرهنگی بشمار آید" (کارکنان، ۱۳۸۴: مهر).

تعريف اصطلاحات "فرهنگ" و "میراث گذشتگان" از ۳۶ سال پیش که یونسکو کنوانسیوني در حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان به تصویب رساند، در سراسر جهان تقریباً یکسان شده است.

سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) با اندیشه دستیابی به ارزش‌هاي برجسته انسانی در سال ۱۹۷۲ معاهده حفاظت و نگهداري از میراث طبیعی و فرهنگی جهان را ایجاد کرد. اکنون تعريف کنوانسیون در حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان - ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ - به عنوان قراردادي جهانی پذیرفته شده است.

### **تعاریف یونسکو از میراث فرهنگی و طبیعی:**

"میراث فرهنگی" بنا بر کنوانسیون ۱۹۷۲ عبارت است از:

"- یادمان‌ها: آثار معماری، مجسمه‌سازي یا نقاشي از بناها، عوامل و بناهایی که جنبه باستانی دارند، کتیبه‌ها، غارها و مجموع عواملی که از نظر تاریخی، هنری و علمی دارای ارزش جهانی استثنایی هستند.

- مجموعه بناها: مجموعه بناهاي مجزا یا مجتمع که از نظر معماری، منحصر به فرد بودن یا بستگی به موقعیت آنها در يك منظر طبیعی، به لحاظ تاریخی، هنری و علمی دارای ارزش جهانی استثنایی هستند.

- محوطه‌ها: آثار انسان یا آثاری که توأمأ به وسیله انسان و طبیعت ایجاد شده است و نیز مناطق شامل محوطه‌هاي باستانی که به لحاظ تاریخی، زیبا شناسی، نژادشناسی دارای ارزش جهانی استثنایی هستند."

نیز:

"آثار طبیعی متشکل از ترکیبات فیزیکی و زیست‌شناسی یا مجموعه‌اي از این نوع ترکیبات که از نظر زیبایی‌شناسی یا علمی حائز ارزش جهانی استثنایی هستند.

ترکیب ارضی، جغرافیایی طبیعی و مناطق کاملاً مشخص که زیستگاه حیوانات و منطقه رشد گیاهان مورد تهدید بوده و از نظر علمی و حفاظت حائز ارزش جهانی استثنایی هستند.

محوطه طبیعی یا مناطق طبیعی که دقیقاً مشخص شده اند و به لحاظ علمی، حفاظت یا زیبایی طبیعی دارای ارزش جهانی استثنایی هستند" (کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان، ۱۹۷۲: ۲).

در برخی مناطق از جهان، میراث جهانی فرهنگی و طبیعی با هم آمیخته اند.

### چشم اندازهای فرهنگی:

چشم اندازهای فرهنگی دارای‌های فرهنگی اند که با ترکیب هنر بشر و طبیعت بوجود آمده اند. آنها سند گویایی برای ارزیابی جوامع انسانی و نحوه سکونت او در طول تاریخ تحت تاثیر عوامل طبیعی اند. هم چنین فرصتی برای شناساندن محیط‌های طبیعی، فشارهای متوالی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی داخلی و خارجی وارده بر انسان است.

### ارزش‌های برجسته جهانی:

این اصطلاح مربوط به جذابیت‌های طبیعی و فرهنگی است که آن‌قدر استثنایی اند که از مرزهای "ملی" فراتر رفته و نشانگر ارزشهای "بین المللی و بشری" در حال و آینده هستند.

بدین ترتیب، حیات وحش شرق آفریقا در "سرنگتی"، اهرام ثلاثه، صخره‌های مرجانی استرالیا، کلیساهای جامع امریکای لاتین ... در شمار میراث جهانی اند.

" آنچه که مفهوم میراث جهانی را متمایز می‌کند، استفاده و کاربری جهانی آنهاست. اماکنی که به عنوان میراث جهانی معرفی می‌شوند صرف نظر از جایی که قرار گرفته‌اند، متعلق به همه مردم جهان هستند" (صمدی، ۱۳۸۳: ۲).

با نگاهی به مفاد این کنوانسیون می‌توان دریافت که تعاریف آن به گونه‌ای کلی بیان شده است آنچنان که مفاهیم بسیاری را در خود گنجانده و از این رو دلیل "جهان‌شمول" بودن تعاریف به کار رفته در این کنوانسیون روشن می‌شود.

### حافظه جهانی:

"حافظه جهانی می‌تواند به عنوان حافظه جمعی ملل جهان توصیف شود. این حافظه در حفظ هویت‌های فرهنگی اهمیت حیاتی دارد و در شکل‌گیری آینده نیز نقش اساسی ایفا می‌کند. "میراث مستندی" که در کتابخانه‌ها و بایگانی‌ها در سراسر جهان جای گرفته‌اند بخش اعظمی از "حافظه جهان" را تشکیل می‌دهند و بسیاری از آنها نیز امروزه در معرض خطر قرار دارند. میراث مستند بسیاری از ملل به علت جابجایی عمدی یا اتفاقی مجموعه‌ها، در نقاط مختلف پراکنده شده‌اند. در مواردی، موانع دسترسی به بخش‌هایی از میراث مستند جهانی را با مشکل روبرو می‌سازد و در سایر موارد، میراث مستند به علت شرایط حساس و شکننده آن در معرض خطر محو شدن قرار دارد. یونسکو ضرورت اقدام برای جلوگیری از نابودی این حافظه را تشخیص داد و در ۱۹۹۲، برنامه حافظه جهانی را تأسیس کرد" (حافظه جهانی، ۱۳۷۷: ۱).

دو اثر مکتوب ثبت شده ایران در فهرست حافظه جهانی عبارتند از: "شاهنامه بایسنقری" و "وقفنامه ربع رشیدی".

## تاریخ ۲۸۰۰ ساله‌ی ایران در یونسکو:

هم اکنون اگر کشوری بخواهد که تعاریفی خارج از چارچوب قراردادهای بین‌المللی از میراث فرهنگی خود ارائه دهد، قادر به انجام آن نخواهد بود، زیرا که سود، زیان و منافع ملتها در بحث میراث فرهنگی، طبیعی و گردشگری هم پیوند با آنها، در گرو توجه به ارزشهای جهانی است.

ایران، دارنده یکی از تمدن‌های کهن دنیا، پدیدآورنده بسیاری از این مفاهیم و ارزش‌ها، در دنیای قراردادهای امروزی و با در نظر گرفتن ثبت جهانی آثار به عنوان ارزشی برای یادگارهای تاریخی يك ملت، تنها با ثبت ۹ اثر توانسته در این حوزه عرض اندام کند.

آثار ثبت شده ایران در فهرست میراث جهانی محدوده زمانی ۲۸۰۰ ساله از تاریخ این سرزمین را به نمایش می‌گذارند. این آثار عبارتند از: زیگورات چغازنبیل، تخت جمشید، میدان نقش جهان، تخت سلیمان، ارگ بم، پاسارگاد، گنبد سلطانیه، بیستون و مجموعه کلیساهای ارامنه.

ایران در سال ۱۹۷۹ سه اثر خود یعنی چغازنبیل، تخت جمشید و نقش جهان را، هم زمان ثبت کرد و از آن پس به مدت بیست و چهار سال یعنی تا سال ۲۰۰۳، هیچ پرونده‌ای را به کمیته میراث جهانی ارائه نکرد. اما پس از آن با ارسال پرونده چندین اثر دیگر موفق شده تا کنون تعداد شش اثر دیگر از میراث فرهنگی خود را در سازمان یونسکو به عنوان میراث جهانی ثبت کند. مجموعه سازه‌های آبی شوشتر (۱۴ سازه آبی) نیز اکنون به عنوان دهمین پرونده در سال ۱۳۸۸ در مجمع عمومی کمیته میراث جهانی یونسکو مطرح می‌شود.

در همین حال پرونده تعداد دیگری از آثار در حوزه میراث فرهنگی و هم چنین در حوزه میراث طبیعی مانند "جنگل هیرکانی" و در حوزه میراث معنوی مانند پرونده "نوروز"، "تعزیه" . . . در حال آماده شدن برای ارائه به کمیته میراث جهانی یونسکو است.

روند بررسی و ثبت آثار کشورها در فهرست یونسکو، با ثبت نخستین اثر در سال ۱۹۷۸ آغاز شد و بر اساس آمار سال ۲۰۰۷، در میان کشورهای جهان، ایتالیا با ۴۱ اثر، اسپانیا با ۳۹ و چین با ۳۳ اثر بیشترین آثار ثبت جهانی را دارا هستند.

## شرایط انتخاب يك اثر به عنوان میراث جهانی:

هر اثر فرهنگی و طبیعی برای اینکه به عنوان میراث جهانی انتخاب شود بایستی ویژگی‌هایی داشته باشد. این شرایط به طور منظم توسط کمیته‌ای در کمیسیون، مورد اصلاح و تجدید نظر قرار می‌گیرد.

شرایط ثبت یک اثر در میراث جهانی تا سال ۲۰۰۴ محدود به ۶ شرط بود؛ اما پس از تجدید نظر کمیته "رهنمودهای عملی" برای تکمیل کنوانسیون میراث جهانی، تنها یک شرط از آن باقی ماند:

۱- اثر مورد نظر نمایانگر خلاقیت و نبوغ انسانی باشد.

۲- تغییرات اساسی در ارزش‌های انسان در محدوده زمانی و یا در یک محدوده فرهنگی، و پیشرفت‌های معماری، فن‌آوری، شهرسازی، آثار تاریخی و یا طراحی منظر را نشان دهد.

۳- فرهنگ‌های سنتی و یا تمدن‌های موجود یا از بین رفته را معرفی کند.

۴- نمونه بارزی از ساختمان‌سازی، معماری و فناوری در تاریخ بشر باشد.

۵- نمونه بارز و برجسته‌ای از سکونت سنتی انسان، نحوه استفاده او از زمین، دریا و غیره باشد. همچنین نشان دهنده تقابل انسان با محیط زیست به خصوص در مواقعی که شرایط زیستن تحت تاثیر تغییرات غیر قابل پیش‌بینی و سخت قرار می‌گیرد.

۶- پیوند مستقیم و ملموس با اتفاقات یا نحوه زیستن سنتی، عقاید، ایده‌ها، مفاهیم هنری و ادیبانه جهانی داشته باشد.

۷- حاوی پدیده‌ها و مناطق زیبا، استثنایی و ناب طبیعی باشد.

۸- نمونه برجسته‌ای از تاریخ زمین به همراه پیشینه زندگی در آن، فرایندهای در حال پیشرفت زمین‌شناسی، تغییرات زمین بر اثر عوامل زمین‌شناسی و سیمای جغرافیای طبیعی باشد.

۹- معرف و نمونه بارزی از فرایندهای بوم‌شناسی و زیست‌شناسی جاری در فرایند تکامل زمین، آب سالم، اکوسیستم سواحل و دریاها و مجموعه‌ای از حیوانات و گیاهان باشد.

۱۰- زیستگاه‌های مهم و طبیعی که ارزش جهانی برای محافظت از تنوع زیستی دارد همچنین مناطقی که محتوی گونه‌های در معرض انقراض باشد.

توجه به این ۱۰ شرط، ویژگی‌هایی را که از نظر میراث جهانی ارزش محسوب می‌شود، مشخص می‌کند.

در این شرایط، برای شناخت ارزش‌های جهانی میراث فرهنگی ایران، باید پاره‌ای از ارزش‌های قراردادی را مورد مطالعه قرار داد و برابر آنها را در میراث فرهنگی ایران جستجو کرد. به همین منظور مروری کوتاه بر هشت اثر میراث جهانی ایران خواهیم داشت.

### زیگورات چغازنبیل:

زیگورات چغا زنبیل (Choqa Zanbil) بدین دلیل که گواهی استثنایی بر تمدن کهن ایلامی و نمونه‌ای برجسته از پرستشگاه آنهاست و با معماری ویژه آن دوران بنا شده است، در سال ۱۹۷۹ به ثبت جهانی رسید.

این معبد با به کارگیری میلیون‌ها آجر و در پنج طبقه به ارتفاع ۵۲ متر ساخته شده که در حال حاضر تنها دو طبقه از آن به جای مانده است. با به حکومت رسیدن اونتاش نپیریشا (Untash Napirisha) در قرن ۱۳ پ.م (۱۳۴۰-۱۳۰۰ پ.م)، چغازنبیل به عنوان پایتخت مذهبی و سیاسی ایلامی‌ها در نزدیکی رود دز ساخته شد و دوراونتاش (Dur Untash) نامیده شد. در حقیقت اونتاش، پادشاه ایلامی، این بنا را برای اینشوشینک (Inshushinak)، خدای شهر شوش ساخت. (پاتس، ۱۳۸۵: ۳۵).

فرسایش طبیعی و خسارت‌های ناشی از جنگ ایران و عراق، آسیب‌های فراوانی را متوجه این اثر کهن کرد. هم چنین در گزارشی که در سال ۲۰۰۳ از وضعیت چغازنبیل برای یونسکو ارسال شده است، باران‌های سنگین، تغییر بستر رودخانه دز، آلودگی کارخانه‌های اطراف و قطع درختان جنگلی نیز به این تهدیدها افزوده شده است.

طی سال‌های اخیر نیز حفاری‌های اکتشاف نفت در منطقه چغازنبیل، تهدیدی برای این اثر ثبت جهانی به شمار می‌رود. شرکت نفت در حریم زیگورات چغازنبیل، اقدام به حفر چاه‌هایی کرده است؛ این چاه‌ها در سه مسیر انفجاری برای کاوش لایه‌های زیرزمینی این منطقه حفر شده‌اند. باستان‌شناسان هشدار می‌دهند که هرگونه انفجار به تخریب این اثر باستانی منجر خواهد شد.

### میدان نقش جهان:

"میدان نقش جهان" اصفهان نیز در نخستین تجربه ثبت جهانی آثار تاریخی ایران در ۳۰ سال پیش، هم زمان با چغازنبیل و تخت جمشید به ثبت رسید.

نقش جهان در سده یازدهم هجری قمری یکی از بزرگترین میدان‌های جهان به شمار می‌آمد. در دوره شاه عباس و جانشینان او این میدان محل نمایش‌های گوناگون بوده است. در دوره قاجاریه و در دوره پهلوی نیز به مرکز تولید و عرضه صنایع دستی تبدیل شد. بنا بر اسناد تاریخی، پیش از آن که شهر اصفهان پایتخت سلسله صفوی شود، در محل این میدان، باغ بزرگی به نام "نقش جهان" وجود داشته است. در دوره شاه عباس اول، این باغ را تا حدود امروزی میدان گسترش داده و پیرامون آن مشهورترین و عظیم‌ترین بناهای تاریخی اصفهان مانند مسجد شاه (در ضلع جنوبی) مسجد شیخ لطف الله (در ضلع شرقی)، عمارت عالی قاپو (در ضلع غربی) و سر در قیصریه (در ضلع شمالی) ساخته شده است.

نقش جهان که در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۱۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید، در عین حال که نخستین اثر ثبت جهانی ایران در میان هشت اثر دیگر (ثبته کشور) از نظر قدمت است، جوان‌ترین اثر نیز به شمار می‌رود.

### تخت جمشید:

در فهرست نخستین‌های میراث جهانی ایران آنگاه که نخستین آثار میراث جهانی ایران در سال ۱۳۵۷ در یونسکو به ثبت می‌رسید، "تخت جمشید" نیز چغازنبیل و میدان نقش جهان اصفهان را همراهی کرد.

نام اصلی این شهر "پازسه" و از نام قوم "پارس" می‌آید و آنها ایالت خود را هم به همان نام پارس می‌خواندند. پارسه به همین صورت در سنگ نوشته خشایارشا بر جرز درگاه‌های "دروازه ملل" نوشته شده است، و در الواح ایلامی مکشوفه از خزانه و باروی تخت‌جمشید هم دیده می‌شود.

"تخت‌جمشید ارگ شهر پارسه به شمار می‌رفته است. در جنوب و شمال صفه، در دو دره، که از جریان سیل‌های کوهستانی به وجود آمده، خانه‌های بزرگان کشوری و سپاهی جای داشته است و در سمت غرب و جنوب غربی و شمال غربی صفه، شهر "پارسه" واقع بوده است" (شاپور شهبازی، ۱۳۸۴: ۲۸).

## تخت سلیمان:

تخت سلیمان نخستین اثری بود که بعد از انقلاب اسلامی - تیرماه ۱۳۸۲ (۲۰۰۳م) - در فهرست میراث جهانی جای گرفت.

چهارمین اثر ثبت جهانی ایران، با ۱۲ هکتار مساحت در حدود ۴۲ کیلومتری شمال شرقی تکاب آذربایجان غربی، در دره‌ای میان کوه‌های آتشفشانی واقع شده است. در این منطقه نشانه‌ها و بقایای استقرار از هزاره اول پ.م. تا قرن ۱۱ هجری قمری وجود دارد.

وجود یک چشمه جوشان در تخت سلیمان باعث شده که حداقل از اوایل هزاره اول پیش از میلاد مورد توجه جوامع انسانی قرار گیرد و در دوره‌های هخامنشی و اشکانی آثاری در اطراف آن بنا شود. در دوره ساسانی با انتقال آتش مقدس از "شیز" قدیم (تقریباً ناحیه‌ای در جنوب ارومیه) به این منطقه، بر اهمیت آن افزوده و تخت سلیمان به یکی از وسیع‌ترین تأسیسات مذهبی و اجتماعی دوره ساسانیان تبدیل شد. "این مکان بسال ۶۲۴ میلادی در حمله ارتش روم و شکست سپاهیان خسرو دوم مورد غارت و تخریب قرار گرفت. پس از آن و بخصوص در اوایل ظهور اسلام اعتبار خود را از دست داد. در زمان ایلخانان مغول با احداث واحدهای جدید به ویژه تغییر ایوان خسرو توسط آباآخان، این منطقه پایتخت ییلاقی او شد" (نومن، ۱۳۷۴: ۴۵).

از اوایل قرن ۱۹ میلادی به بعد نیز مستشرقینی از تخت سلیمان بازدید و نهایتاً از سال ۱۹۵۹ میلادی (۱۳۳۷) شمسی این مجموعه، توسط هیأت باستان‌شناسان آلمانی با نظارت کارشناسان ایرانی به مدت ۲۰ سال مورد کاوش قرار گرفت. در سالیان اخیر نیز کاوشهایی توسط باستان‌شناسان ایرانی در این مجموعه انجام شده که نتایج مهمی در بر داشته است.

## پاسارگاد:

پاسارگاد نخستین پایتخت هخامنشیان در قرن ششم پیش از میلاد به فرمان کوروش کبیر ساخته شد. قصرها، باغ‌ها و آرامگاه کوروش نمونه‌ای استثنایی از اولین دوره شکوفایی هنر و معماری هخامنشی و گواهی استثنایی از تمدن ایرانی است. پاسارگاد در سال ۲۰۰۴ به عنوان پنجمین اثر ایران، در فهرست آثار جهانی یونسکو ثبت شد.

این مجموعه تاریخی عظیم در ۱۳۸ کیلومتری شهر شیراز در استان فارس به فاصله ۳ کیلومتری از جاده آسفالته شیراز - آباده قرار دارد. در این محوطه ۱۶۰ هکتاری آثار با ارزشی یافت شده است که آرامگاه کوروش کبیر، کاخ دروازه، کاخ اختصاصی، کاخ بارعام، برج سنگی معروف به زندان سلیمان، استحکامات تل تخت یا تخت مادر سلیمان، کاخ نشیمن، دو تک بنا و طراحی باغ و آبنماهای سنگی داخل آن که در همان زمان انجام گرفته، بخشی از آنهاست.

معیارهایی زیر برای ثبت این اثر در یونسکو در نظر گرفته شد:

۱. پاسارگاد نخستین نمونه استثنایی معماری سلطنتی هخامنشی است. ۲. پایتخت سلسله هخامنشی بدست کوروش کبیر و با کمک سایر اقوام قلمرو



امپراتوری اوست. پاسارگاد مرحله مهمی از تحولات هنر و معماری ایران باستان را نشان می‌دهد. ۳. محوطه باستانی پاسارگاد، قصرها و باغ‌هایش و آرامگاه مؤسس سلسله، کوروش کبیر، گواهی استثنایی از تمدن هخامنشی در ایران است. ۴. مجموعه سلطنتی "چهار باغ" که در پاسارگاد ساخته شده بود، تبدیل به الگویی برای معماری و طراحی در آسیای غربی شد.

## ارگ بم:

ثبت بم به عنوان دومین اثر میراث جهانی در سال ۲۰۰۴، از نخستین اقدامات نجات‌بخشی میراث این شهر پس از زلزله بود. هر چند کشورها سالانه امکان ثبت تنها یک اثر را در فهرست میراث جهانی دارند، اما بم در سال ۱۳۸۲ به عنوان ششمین اثر ایران در فهرست میراث در خطر یونسکو ثبت شد تا آغازی بر اجرای پروژه نجات‌بخشی ارگ بم باشد.

ایران در سال ۲۰۰۴ در بیست و هشتمین اجلاس میراث جهانی در "سوشون" چین، سندی را با عنوان "ارگ بم و عناصر وابسته بدان" برای ثبت جهانی عرضه کرد. اما آنچه در این اجلاس به تصویب رسید "بم و منظر فرهنگی آن" بود که بخش بسیار گسترده‌تری از سندی را که ایران به یونسکو تحویل داده بود، شامل شد. این نخستین منظر فرهنگی از آثار میراث فرهنگی ایران بود که به ثبت جهانی رسید. پرونده ثبت جهانی ارگ بم، ۶۳ اثر تاریخی داخل شهر، ۱۵ اثر تاریخی در محدوده شهر بم، منظر شهر بم و شهر بروات، رودخانه پشت‌رود، گسل بین بم و بروات، دشت اطراف بم و کوهی که از هر دو طرف شهر بم را در بر گرفته اند. بنابراین باید پرونده مدیریتی تک تک آثاری که در شهر و منظر فرهنگی آن است تا کوه‌های اطراف، برای یونسکو ارسال شود و از سال ۲۰۰۴ تا کنون، هر سال بخشی از این پرونده تکمیل و تحویل یونسکو می‌شود.

ارگ بم یکی از بزرگترین مجموعه‌های خشتی جهان در شمال شرقی شهر بم، بربالا و دامنه صخره ای عظیم با خشت و گل ساخته شده است. "مجموعه ارگ بم، شامل شهر قدیم و قلعه، قریب به ۲۰ هکتار (طول ضلع غربی ارگ ۵۲۰ و عرض آن ۴۳۰ متر است) وسعت داشت و مسافت ارگ و قلعه، قریب ۶ هکتار بود. دورتادور قلعه خندق‌های عمیق وجود داشت که آن را از یورش‌ها مصون می‌داشت. ۳۸ برج دیده‌بانی در فواصل معین روی باروهای قلعه واقع شده بود" (مهریار، ۱۳۸۲: بهمن).

در صورتی که وضعیت نگهداری و حفاظت از هر یک از محوطه‌های ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو رضایت‌بخش نباشد، کمیته میراث جهانی به ثبت این محوطه در فهرست میراث جهانی در خطر رأی می‌دهد. هم چنین اگر کشور عضو در جهت حفاظت و رفع خطر از محوطه ثبت شده در فهرست میراث جهانی در خطر اقدامات لازم را به عمل نیاورد و خساراتی به محوطه وارد شود که باعث از میان رفتن ارزش‌های منحصر به فرد آن محوطه شود، کمیته میراث جهانی می‌تواند به حذف محوطه از فهرست میراث جهانی و فهرست میراث جهانی در خطر رأی دهد. تا کنون ۳۵ محوطه فرهنگی و طبیعی، از جمله ارگ و منظر فرهنگی شهر بم، در فهرست "میراث جهانی در خطر" ثبت شده‌اند؛ ولی هیچ محوطه‌ای از فهرست میراث جهانی یونسکو حذف نشده است.

## گنبد سلطانیه:

گنبد سلطانیه در سال ۲۰۰۵، عنوان هفتمین اثر ثبت جهانی ایران را به خود گرفت. این گنبد در شهر کهن سلطانیه در ۴۲ کیلومتری جنوب شرقی زنجان واقع شده است. پرونده ارائه شده به یونسکو محوطه ارگ و گنبد سلطانیه را برای ثبت معرفی کرده بود. برخی کارشناسان تزیینات داخلی آرامگاه الجایتو را که در سالهای ۱۳۰۲ تا ۱۳۱۲ ساخته شده، "پیش‌الگوی بنای تاج محل" توصیف کرده‌اند.

گنبد سلطانیه طبق معیارهای ثبت در فهرست میراث جهانی نمایانگر یک اثر هنری است، هم‌چنین نمایانگر تبادل ارزش‌های بشری در یک محدوده زمانی یا در یک حیطه فرهنگی است که از نظر معماری و برنامه‌ریزی شهری و هنرهای یادمانی قابل توجه است.

برای ثبت این اثر در فهرست میراث جهانی، دلایل زیر عنوان شده است:

- آرامگاه الجایتو از زمان سلجوقیان تا دوران تیموریان، در گسترش معماری اسلامی در آسیای میانه و غربی نقشی اساسی بر عهده داشته است. این امر به ویژه در مورد ساختار گنبد‌های دولایه و کاربرد دقیق مصالح و درون‌مایه تزیینات آرامگاه صحت دارد.

- سلطانیه به عنوان پایتخت قدیمی سلسله ایلخانی، گواهی استثنایی برای تاریخ قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی به شمار می‌رود.

- آرامگاه الجایتو نشانگر پیشرفت چشمگیری در معماری ایرانی، به ویژه در دوره ایلخانی است و به خاطر ساختار مهندسی نوآورانه، نسبت ابعاد، شکل معماری، الگو و تکنیک‌های تزیینی‌اش متمایز است.

گنبد هشت ضلعی سلطانیه با بیش از ۵۴ متر ارتفاع در بیست و نهمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در شهر "دوربان" آفریقای جنوبی، ۱۹ تیرماه سال ۱۳۸۴، با اکثریت آرا و بدون هیچ مخالفتی، به عنوان هفتمین اثر تاریخی ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. گنبد سلطانیه بلندترین برج آجری ایران و سومین برج آجری جهان است. این گنبد پس از بنای کاتدرال سانتاماریا دلفیوره "کلیسای جامع مریم مقدس" در فلورانس ایتالیا و مسجد "ایاصوفیای" استانبول، سومین گنبد تاریخی بزرگ جهان محسوب می‌شود. این بنای آجری یا خشتی دارای ۵/۴۸ متر بلندی و ۶۰/۲۵ متر دهانه قوس، هشت ایوان مرتفع و نزدیک به ۵۰ اتاق و حجره است" (افاضلی، ۱۳۸۴: تیر).

### بیستون:

کمیته میراث جهانی یونسکو پنجشنبه ۲۲ تیر ماه ۱۳۸۵ در سی‌امین اجلاس خود در لیتوانی مجموعه باستانی بیستون را در فهرست آثار جهانی ثبت کرد. بیستون پس از ثبت تخت‌جمشید، چغازنبیل، نقش‌جهان، تخت‌سلیمان، پارساگارد، بم و منظر فرهنگی آن و سلطانیه، هشتمین اثر ایرانی است که در فهرست جهانی یونسکو به ثبت رسید. بیستون در ۳۰ کیلومتری شرق شهر کرمانشاه بر سر راه همدان - کرمانشاه قرار دارد. کوه بیستون به صورت بغستان، بگستان، بهستان، بهستون، بهیستون، بگیستان و بیستون در متون تاریخ آمده است. تاکنون تعداد ۲۹ اثر باستانی در محدوده بیستون به ثبت رسیده که کهن‌ترین آنها مربوط به دوره پارینه سنگی و متاخرترین آنها مربوط به دوره صفوی است.

از آثار مهم بیستون می توان به غارهای پارینه سنگی شکارچیان، غار خر، مر آفتاب، مر تاریک و مر دو در، تپه نادری، پل صفوی آتشدان پارتی، شهر اشکانی بغستان در بیستون، سنگ بلاش، مجسمه هرکول، نقش برجسته میتريدات دوم، کتیبه وقفنامه شیخ علیخان زنگنه، کتیبه بیستون (کتیبه داریوش)، جاده تاریخی حاشیه سراب، فرهاد تراش، کاخ نیمه تمام ساسانی و بقایای کاروانسرای ایلخانی، دیوار عظیم دوره ساسانی، پل خسرو و سنگ های تراش خورده ساسانی، اشاره کرد. (کلایس و کالمایر: ۱۳۸۵)؛ اما کتیبه بیستون (کتیبه داریوش)، مبنای ثبت این مجموعه با ارزش تاریخی به شمار می رود.

این کتیبه در ارتفاع ۱۰۰ متری بر روی صخره بیستون واقع شده و به فرمان داریوش حک شد. نخستین بار هنری راولینسون در سال های ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۷ از کتیبه نسخه برداری و بعدها آنرا ترجمه کرد. این کتیبه که به سه زبان پارسی باستان، ایلامی و بابلی است به طول ۲۰/۵ (بیست متر و پنجاه سانتیمتر) و عرض ۷/۸۰ (هفت متر و هشتاد سانتیمتر) است (اکبرزاده، ۱۳۸۴: ۸-۳۷).

بیستون از جنبه های طبیعی و زیستی نیز بسیار غنی بوده و از این رو نماینده "ایکوموس" پیشنهاد ثبت آنرا در فهرست میراث طبیعی ارایه کرده است.

### مجموعه کلیساهای آذربایجان غربی:

مجموعه ثبت شده کلیساهای ایران شامل سه کلیسای اصلی "سنت تادئوس"، "سنت استپانوس"، "دزور دزور" و چند بنای اطراف آن، همراه دهکده ها و قبرستان در سی و دومین اجلاس کمیته جهانی میراث فرهنگی که سال ۲۰۰۸ برگزار شد، به ثبت جهانی رسید.

کلیسای سنت استپانوس آذربایجان شرقی بعد از قره کلیسا در آذربایجان غربی، مهمترین کلیسای آرامنه کشور است. این کلیسا ویژگی های معماری و تزیینی بسیار با ارزشی دارد.

قره کلیسا از بناهای مذهبی متعلق به آرامنه بوده که در جنوب ماکو و ۲۰ کیلومتری شمال شرقی چالدران در کنار روستایی به همین نام واقع شده است. قره کلیسا (کلیسای تادئوس مقدس) در قرون چهارم تا ششم میلادی روی آرامگاه تادئوس مقدس، از حواریون حضرت مسیح که در سال ۴۸ میلادی به خاطر تبلیغ مسیحیت به شهادت رسید، بنا شده است و برای مسیحیان منطقه و همچنین آرامنه جهان ارزش مذهبی زیادی دارد.

کلیسای مریم مقدس که به نام کلیسای "دزور دزور" نیز معروف است، یکی دیگر از آثار پرونده کلیساهای ایران است که در استان آذربایجان غربی شهرستان ماکو و در ۱۲ کیلومتری شمال غرب قره کلیسا قرار دارد. از آنجا که این کلیسا به حدود سال ۱۲۹۸ میلادی تعلق دارد و ممکن بود که پس از آبیگری سد "بارون" در عمق دریاچه پشت سد قرار گیرد، به ارتفاعات کنار دریاچه منتقل و در آن نقطه دوباره بازسازی شد. کلیسای چوپان نیز که در غرب شهر مرزی جلفا در ساحل رود ارس و در محدوده استان آذربایجان شرقی قرار دارد، در قرن ۱۶ میلادی ساخته شده است. گفته می شود این کلیسا محل عبادت چوپانان ارمنی ساکن روستاهای اطراف دره شام بوده است. (هویان: ۱۳۸۲)

## ارزش‌های جهانی در میراث فرهنگی ایران:

"با شنیدن نام ایران، باید به یکی از مهم‌ترین تمدن‌های جهان اندیشید. در حوزه‌ی هنر باستان، میانه و معاصر، در تاریخ و بخصوص در تاریخ باستان، در فلسفه و دین پیش و پس از دوران اسلامی، در ادبیات و در بسیاری از حوزه‌های دیگر، ایران دستاوردهای عظیمی داشته است" (نیولی، ۱۳۸۰: ۱۹).

توسعه فرهنگی و گفتگوی تمدن‌ها نیز یکی از مباحث مورد توجه در جهان معاصر است که می‌توان با توجه به سرفصل‌های مطرح در آن، اشتراکات فرهنگی‌های مختلف را در تقسیم‌بندی‌های منظم‌تری یافت. بخشی از ارزش جهانی میراث فرهنگی ایران را می‌توان از دل متون به جا مانده از حکومت‌های باستانی ایران که امروز به عنوان خاستگاه منشور حقوق بشر شناخته شده‌اند، بیرون کشید.

به همین منظور، در اینجا به بخش‌هایی از منشور کوروش و اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسیده‌است، اشاره می‌کنم.

کوروش درباره‌ی حقوق و آزادی‌های متبادر بر آن اعلام می‌دارد: " (و آنگاه که) سربازان بسیار من دوستانه اندر بابل گام بر می‌داشتند، من نگذاشتم کسی (در جایی) در تمامی سرزمین‌های سومر و اکد ترساننده باشد. من (شهر) بابل و همه (دیگر) شهرهای مقدس را در فراوانی نعمت پاس داشتم. درماندگی‌هاشان را چاره کردم و ایشان را از بیگاری برهانیدم. خدایانی که من به جای‌های مقدس (نخستین شان) بازگردانیدم. همگی مردم بابل پادشاهی را گرامی داشتند و من همه (مردم) را در زیستگاهی آرام بنشانیدم" (ارفعی، ۱۳۵۶: ۱۸).

اکنون جا دارد که به ماده ۲ اعلامیه که حدود پنجاه سال پیش اعلام و تصویب شده است نظری افکنیم:

"هرکس، بدون هیچ‌گونه تمایز به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، نظرسیاسی یا هر نظر دیگر و همچنین منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر از تمام حقوق و آزادی‌های مذکور در اعلامیه حاضر برخوردار است.

به علاوه هیچ تبعیضی نباید اعمال شود که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه مستقل تحت قیومت یا غیر مختار باشد یا تحت هر گونه محدودیت دیگری از حیث حاکمیت."

"ریچارد فرای"، ایران‌شناس غربی نیز چنین عقیده‌ای درباره‌ی تاریخ ایران دارد: "اگر بخواهیم دستاوردهای ایران عصر هخامنشی را ارزیابی کنیم، بی‌تردید مفهوم حکومت جهانی واحد، یعنی ادغام ملتها و فرهنگ‌های گوناگون جهانی، مهمترین میراث آن قلمداد می‌شود."

ایران دوره هخامنشی به ویژه در دوران کوروش و داریوش درس‌هایی به جهان آموخته است که بسیاری از آنها پس از چند هزار سال، همچنان افتخارآمیز می‌نماید و از سوی مردم جهان نیز با احترام بدان نگریسته می‌شود. نخستین ویژگی شاهان هخامنشی که عامل مهمی در گسترش اندیشه‌های آنان نیز بوده است، روشن‌بینی و گشاده‌نظری آنان در مسائل

دینی و اعتقادی ملتهای زیرسلطه آنان بوده است. اشکانیان نیز این سیاست هخامنشیان را پی گرفتند و می‌دانیم که در دوره‌ی میانه، پرستشگاه "نوبهار" بلخ مرکز بوداییان بوده است. این سیاست خوشبینی و خوشرفتاری با پیروان دین‌های دیگر، در آغاز دوره‌ی ساسانیان نیز ادامه یافت و شاهان این دوره علی‌رغم سیاست دینی خود، نسبت به دین‌های دیگر سختگیری نداشتند.

دومین ویژگی اجتماعی ایران را باید توجه فرمانروایان به دادها و نهادهای یعنی قانون‌های کشوری دانست، پادافراه شدید قانون‌شکنان و پاداش وفاداران به نهادهای اجتماعی ناشی از این ویژگی است. نظام اداری و دیوانی ایران باستان سومین نکته بسیار با اهمیت است. لوحه‌های یافت شده در تخت‌جمشید ما را با دیوانی آشنا می‌کند که در زمان خود پیشرفته‌ترین تشکیلات اداری بوده است و بقایای همین سازمان‌بندی به عصر ساسانیان انتقال یافت و در دوره‌های اسلامی نیز نظام حاکم بر حکومت اسلامی بوده است." (راشد محصل، ۱۱۴: ۱۳۸۱)

اگر چه اسلام به عنوان یک مذهب از هنر برای ترویج اندیشه خود به اندازه‌ای که مثلاً مذهب مسیحی یا مذهب بودایی از آن سود جست‌ه‌اند، استفاده نکرد (به‌خصوص به دلیل ممنوعیت شمایل‌نگاری مقدسین)، اما اسلام در معماری و در خلق آثار هنری توسط هنرمندان تأثیری به سزا داشته است. حتی اگر یکی از اولویتهای هنر اسلامی در یگانگی و وحدت هنری آن نهفته باشد، نمی‌توان آن را با تک‌شکلی اشتباه گرفت؛ هنر اسلامی در مناطق مختلف، خود را از جنبه‌های گوناگون و به اشکال مختلف نشان می‌دهد. در بین این مناطق، ایران در کلی‌ترین مفهوم آن - بی‌شک یکی از مناطق رهبری‌کننده است؛ تأثیر ایران بر آثار هنری اسلامی چنان عظیم است که به وصف درنمی‌آید" (ویتوریا فونتانا، ۱۳۸۰: ۳۲۷).

### **پیدایش هنر روایتی:**

میراث فرهنگی ایران، هم‌چنین از این لحاظ که در یافتن پاسخ پرسش‌های تاریخی درباره‌ی نحوه‌ی شکل‌گیری و تحول تمدن بشری - به عنوان عنصری فعال در این روند - مؤثر بوده نیز قابل توجه است.

"جام‌های مشهور به‌دست آمده از شوش، برخی از پیچیده‌ترین ترکیبات نقاشی‌شده بر روی سفال‌های ایرانی‌پیش از تاریخ را عرضه می‌دارند. برای مثال، ردیفی از مرغان گردن‌دراز با ردیفی از سگ‌های در حال دویدن بر فراز بزهای کوهی بزرگ را نشان می‌دهند. این امر ثابت می‌کند که پیش از اختراع نگارش یا خط، هنر پیش از تاریخی در بین‌النهرین و ایران باستان مفاهیم را به شکل ارتباط یک‌به‌یک منتقل می‌کردند. هنر آن دوره محدود به فراخوانی و برانگیختن یادها بود. مقارن با ظهور قدیم‌ترین متون مکتوب، از جمله لفافه‌های ممهور و لوحه‌ها، در اروک و شوش در حدود ۳۱۰۰-۳۲۰۰ قبل از میلاد، هنر از طریق بهره‌برداری کامل از ترکیبات خطی دگرگون شد. مقارن با پیدایش و ظهور تمدن، هنر بین‌النهرین باستان و ایران با سرمشق قراردادن و پیروی از نگارش، تبدیل به هنری روایتی می‌شود" (بسات، ۳۸۲: ۱۵)

### **میراث فرهنگی و جهانی‌شدن:**

می‌توان ثبت جهانی را اقدامی در راستای تکثر فرهنگی و جهانی شدن که در دهه‌های اخیر مطرح شده دانست.

نخستین مخالفان "جهانی شدن فرهنگی" می‌گفتند که این روند، در واقعیت خود، نوعی تحمیل فرهنگی هم هست و تفاوت‌های فرهنگی را از بین می‌برد و انسان‌ها را مجذوب فرهنگی واحد می‌کند و باعث نابودی فرهنگها به نفع فرهنگ مجهز به تکنولوژی غربی می‌شود. آنها معتقد بودند که این روند جهانی شدن چیزی نیست جز یک امپریالیسم فرهنگی توقفناپذیر که هیچ اعتباری برای خرده فرهنگها و سنتهای مرتبط با آنها نمی‌شناسد.

با توجه به مباحث طرح شده، به طور کلی چند مرحله را می‌توان برای نقش میراث فرهنگی در جوامع جدید و فرآیند جهانی شدن متصور شد:

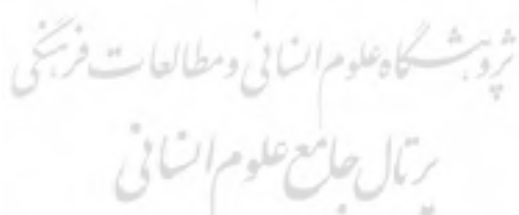
۱. مرحله اول وجود زیبایی‌شناسی بوده که در حوزه لذت بردن از زندگی و ارضای حس زیبا دوستی انسان‌هاست. یک اثر تاریخی و فرهنگی می‌تواند باعث لذت بردن انسان‌ها از زیبایی و هنر شود، این نگاهی است که از قدیم وجود داشته است و در زمان فعلی شدت بیشتری گرفته است.

۲. مرحله مهم‌تر دوم، اطلاعاتی است که همراه این آثار و از گذشته جوامع حکایت دارد و به نوعی منبع پژوهش، کنکاش، اطلاعاتی از گذشته مردم یک سرزمین و جنبه اسنادی میراث فرهنگی است.

۳. مرحله سوم جنبه اقتصادی آثار تاریخی و فرهنگی مرتبط با بحث گردشگری و بازدید از میراث فرهنگی است.

۴. جایگاه میراث فرهنگی در توسعه جوامع نیز در مرحله بعدی قرار دارد. هر جامعه‌ای که بداند که نتیجه تعاملش چه بوده و آن را خوب بشناسد، درمی‌یابد که فعالیت‌های کنونی‌اش نیز نمی‌تواند منقطع از گذشته باشد، بلکه در ادامه آن است.

۵. مهم‌ترین مرحله نیز برای میراث فرهنگی هویت‌بخشی آن است" (کارکنان، ۱۳۸۴: مهر).



## نتیجه گیری

میراث فرهنگی ایران دربردارنده آثار شکوهمند ملموس و غیرملموسی است که از گذشته تاکنون فراتر از معیارهای رایج جهان بوده‌اند و از این رو همواره از سوی اندیشمندان، صاحب‌نظران و متخصصان تحسین و تکریم شده‌اند. در حقیقت آثار تاریخی این سرزمین که به ذوق، ابتکار و حوصله و درایت هنرمندان ایرانیان زاده، بالیده و قد برافراشته‌اند، هم اکنون نه تنها میراث فرهنگی ایران، بلکه میراث فرهنگی جهان محسوب می‌شوند.

## منابع

-افاضلی، سحر: ۱۳۸۴، "گنبد سلطانیه جهان را به دیدار خود فرا می‌خواند"، خبرگزاری میراث فرهنگی، ۲۴ تیر ماه.

- اکبرزاده، داریوش، با همکاری آرزو یحیی‌زاده: ۱۳۸۴، **کتیبه بیستون (متن فارسی باستان)**، تهران: خانه فرهیختگان هنرهای سنتی.
- ارفعی، عبدالمجید: ۱۳۵۶، فرمان کوروش بزرگ، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- بسرات، دنیز اشقات: ۱۳۸۲، "فصل مشترك میان نگارش و هنر"، **چکیده مقالات نخستین مجمع بین‌المللی پیوندهای کهن در ایران و غرب آسیا**، تهران: مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران.
- پاتس، دنیل: ۱۳۸۵، **باستان‌شناسی ایلام**، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.
- حافظه جهانی: ۱۳۷۷، **رهنمودهایی برای حفاظت از میراث مستند**، تهران: کمیسیون ملی یونسکو (در ایران).
- راشد محصل، محمدتقی: ۱۳۸۱، **کتیبه‌های ایران باستان**، چاپ سوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شاپور شهبازی، علیرضا: ۱۳۸۴، **راهنمای مستند تخت جمشید**، تهران: سفیران.
- صمدی، یونس: ۱۳۸۳، **مجموعه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور**، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کارکنان، محمد: ۱۳۸۴، "میراث فرهنگی، هویت و جهانی شدن"، تهران: خبرگزاری میراث فرهنگی، آبان ماه.
- کلایس، ولفرام و پتر کالمایر: ۱۳۸۵، **بیستون، کاوشها و تحقیقات سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۷**، مترجم فرامرز نجد سمیعی، تهران: میراث فرهنگی کشور.
- کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (مصوبه هفدهمین جلسه کنفرانس عمومی یونسکو) (پاریس، ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲)، تهران، پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی، دفتر فعالیت‌های بین‌المللی و میراث جهانی.
- مخلص، محمدعلی: ۱۳۸۴، **پژوهشی در کتیبه‌های دوران اسلامی تخت جمشید (کاخ داریوش)**، تهران: پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی (میراث فرهنگی کشور).
- مهریار، محمد، "درباره ارگ بم"، **سایت اسناد و مدارک میراث فرهنگی**، <http://www.ichodoc.ir/argebam/about.htm>
- نومن، رودلف: ۱۳۷۴، **ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان سلیمان**، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نیولی، گرار دو: ۱۳۸۰، "ایران: تاریخچه یک اندیشه و گسترش آن"، کاتالوگ نمایشگاه ۷۰۰۰ سال هنر ایران، شاهکارهایی برگزیده از موزه ملی ایران در موزه وین، صص ۲۴-۱۹، مترجم فرانک بحرالعلمی شاپورآبادی، تهران، موزه ملی ایران و موزه تاریخ هنر وین.

-ویتوریا فونتانا ، ماریا: ۱۳۸۰، هنر ایران اوایل دوره اسلامی، کاتالوگ نمایشگاه ۷۰۰۰ سال هنر ایران، شاهکارهایی برگزیده از موزه ملی ایران در موزه وین، صص ۳۴۴-۳۳۷، مترجم فرانک بحرالعلومی شاپورآبادی ، تهران، موزه ملی ایران و موزه تاریخ هنر وین

-هویان ، آندرانیک : ۱۳۸۲ ، کلیساهای ارمنیان ایران ، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور .



ضمیر ناخودآگاه زرتشت  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نادره نفیسی

چکیده

در این مقاله با استناد به بندهای مختلف گاهان، کوشش می شود به درک هر چه بیشتر زبان آهنگین زردشت و این که آیا این زبان نمادین است یا خیر، بپردازیم. اگر این زبان، رمزی است، به واقع رمزگرایی، کوشش برای رخنه در فراسوی جهان تصورات درونی و بیرونی انسان است و پی بردن به مفاهیم این نمادها، ما را به شناخت هر چه بیشتر اندیشه های زردشت و ضمیر ناخود آگاه مردمان روزگار او رهنمون می سازد.

نمادهای زرتشت نشان دهنده خلاقیت او در تبدیل جوانب حیات انسانی به رمزی شاعرانه است که در واقع بیان تطاهر مستقیم ناخودآگاه قومی-زبانی اوست. نمادهای فرهنگی برای توضیح حقایق جاودانگی بکار می روند. حرکت از ذهن خودآگاه که در ذهنیت خیالی خود، تمثیلی و جان